نگاهی به زندگی ۸۱ ساله پدر کاریکاتور ایران

■ کامبیز درم بخش، یکی از مطرح‌ترین کاریکاتوریست‌های ایرانی بود که کاریکاتورهای ساده و در عین حال جذابی از او به یادگار مانده است.

پشت سادگی کارهای من سال‌ها کار و زحمت وجود دارد. مثل یک سنگ الماس که شروع به تراشیدن آن می‌کنید و بعد از مدت‌ها خالص و کریستالیزه می‌شود. کار هنری هم همین‌طور است و باید سال‌ها کار کنید تا به این سادگی برسید. انسان رسیدن به سادگی را ارج می‌نهد و، چون امروز فرصت کمی دارد، چیزهای کوتاه و تأثیرگذار می‌خواهد.

گروه فرهنگ و هنر- کامبیز درم بخش، در مستندی که به زندگی شخصی و هنری او پرداخته بود خودش را این طور معرفی کرد:

«من در خردادماه سال ۱۳۲۱ در خانواده‌ای به دنیا آمدم که پدرم افسر نظام وظیفه و ارتشی بود و به همین دلیل، زمان به دنیا آمدنم به شیراز منتقل شده بود و در آن جا ماموریت کوتاهی داشت و فقط به مدت یک سال در شیراز بودم و اصالتا تهرانی هستیم و منزل ما در کوچه نظامیه میدان بهارستان بود و دوران دبستان را در مدرسه «امیر اتابک» گذراندم.

در آن زمان، تهران واقعی در منطقه‌های ما بود و روزنامه‌هایی هم که بعدا با آن‌ها همکاری کردم در اطراف خیابان فردوسی بودند و خیلی دسترسی به آن‌ها آسان بود و پیاده همه جا می‌رفتم. چون آن زمان مثل الان نبود که این قدر شلوغ باشد و برای سال‌ها دوست و آشنا را نبینید و خیلی از هنرمندان معروف را داخل خیابان می‌دیدیم و با آن‌ها سلام و علیک می‌کردیم. دوران کودکی خیلی سختی داشتم به دلیل این که نامادری داشتم و خیلی من را اذیت می‌کرد و درواقع، اگر آن شکنجه‌ها نبود کامبیز درم بخش فعلی نمی‌شدم. از ۸-۷ سالگی شروع به طراحی و نقاشی کردم و بادبادک‌هایی درست می‌کردم که کاملا با دیگران فرق می‌کرد و زیباترین بادبادک‌ها بود یا فانوس‌هایی که درست می‌کردم در آسمان مخملی تهران بسیار زیبا بودند.

محله ما در ایام محرم سینه زنی برپا می‌شد و بچه‌ها علامت و علَم درست می‌کردند و تلاش می‌کردم که علَم من از همه زیباتر باشد و به همین خاطر، از ترمه‌های مادربزرگم استفاده می‌کردم.

با وجود این که هنوز کلاس چهارم، پنجم ابتدایی بودم در اولین روزنامه‌های دیواری که با دو سه نفر از بچه‌ها درست می‌کردیم طرح‌های جالبی در آن‌ها می‌کشیدم و وقتی وارد دبیرستان شدم و ۱۴ ساله بودم کارهای طراحی کاریکاتورم در بزرگ‌ترین روزنامه‌ها و مجله‌های تهران چاپ می‌شدند و بعدا سبک کاری خودم را پیدا کردم.» او به دبیرستان «ادیب» و سپس، از سوم دبیرستان به هنرستان هنرهای زیبا رفت و اگرچه پدرش ارتشی بود، اما فعالیت‌های هنری هم انجام می‌داد و همین موضوع باعث شد که وارد عرصه هنر شود؛ به طوری که درم بخش می‌گفت صبح‌ها قبل از این که به مدرسه برود به کشیدن کاریکاتور مشغول بود و این کار را با اشتیاق فراوان انجام می‌داد و دو سه روز هم به تحریریه می‌رفت و افراد بزرگی مثل فریدون مشیری و احمد شاملو و... که صاحب اسم و رسم بودند در آن جا می‌نشستند و بعدا با مجلاتی مثل کیهان و تهران مصور و... و همچنین، با مطبوعات معتبر خارجی مثل نیویورک تایمز، اشپیگل، نبل اشپالتر و... همکاری کرد و قدمت همکاری اش با رسانه‌های مطرح ایرانی و خارجی به ۶۰ سال می‌رسید. کامبیز درم بخش با وجود این که سال‌ها در آلمان زندگی کرد و توانست صاحب جوایز متعددی شود به ایران بازگشت چراکه معتقد بود به عنوان یک ایرانی، همیشه دلش در این جاست و حس وطن پرستی و ایران پرستی در وجودش هست و به همین دلیل، پس از این که مادرش با او تماس گرفت و از نابینا شدن خود خبر داد به سرعت به ایران بازگشت.

این کاریکاتوریست برجسته، در دوران زندگی خود بیش از ۵۰ نمایشگاه داخلی و خارجی به صورت انفرادی و گروهی برگزار کرد و توانست موفقیت‌های زیادی، هم در داخل کشور و هم به صورت بین المللی بدست آورد؛ به طوری که توانست جایزه اول بزرگ‌ترین و معتبرترین مسابقه‌های بین المللی کشورهایی چون؛ ایتالیا، سوئیس، آلمان، برزیل، یوگسلاوی، ژاپن، بلژیک، ترکیه و... را بدست آورد.

او علاوه بر داور مدعو در چندین نمایشگاه بزرگ بین المللی کاریکاتور، توانست به بسیاری از موزه‌های معتبر ایران و جهان به منظور نگهداری از آثار آن‌ها راه پیدا کند که موزه هنرهای معاصر تهران، کتابخانه ملی، موزه سندیکای گرافیست‌های ایران، موزه ضدجنگ یوگسلاوی، موزه آوینیون پاریس، موزه هیروشیما در ژاپن، موزه کاریکاتور بازل سوئیس، مجموعه شهرداری شهر فرانکفورت آلمان، موزه کاریکاتور ورشو در لهستان، موزه کاریکاتور استانبول در ترکیه و... اشاره کرد. همچنین، کامبیز درم بخش سابقه تدریس به عنوان استاد کاریکاتور در دانشگاه تهران و فعالیت در حوزه‌های طراحی روی جلد کتاب، تصویرگری کتاب کودک، پوستر، فیلم کوتاه، کارت پستال، تقویم و انتشار کتاب‌های متعددی در زمینه تصویرسازی و کاریکاتور را دارد.

او درمورد سادگی آثارش گفت: پشت سادگی کارهای من سال‌ها کار و زحمت وجود دارد. مثل یک سنگ الماس که شروع به تراشیدن آن می‌کنید و بعد از مدت‌ها خالص و کریستالیزه می‌شود. کار هنری هم همین‌طور است و باید سال‌ها کار کنید تا به این سادگی برسید. انسان رسیدن به سادگی را ارج می‌نهد و، چون امروز فرصت کمی دارد، چیزهای کوتاه و تأثیرگذار می‌خواهد. مردم به من می‌گویند هر کاریکاتور تو یک کتاب است. کارهایم بدون کلام است و مردم از هر ملیتی می‌توانند آن را بفهمند. رسیدن به این زبان بین‌المللی زحمت زیادی می‌خواهد و من توانستم به درجه‌ای برسم که با جهان صحبت کنم. کاریکاتور کوتاه‌ترین وسیله پیام‌رسانی جهان است.

این کاریکاتوریست مطرح که در دوران شیوع کرونا و قرنطینه در صفحه شخصی خود به انتشار آثاری با این مضمون و کرونانگاری پرداخت، متاسفانه، در آبان سال ۱۴۰۰ به دلیل ابتلا به کرونا درگذشت.

کارگردان فیلم مطرح کرد؛

روایت غیرخطی در «پروا» کارکرد محتوایی دارد

گروه فرهنگ و هنر- مهران مهدویان با اشاره به اینکه فیلم سینمایی «پروا» در ساختاری غیرخطی روایت می‌شود، تأکید کرد: انتخاب این فرم روایت تنها به دلیل علاقه شخصی‌ام نبود بلکه روایت غیرخطی در این فیلم کارکرد محتوایی دارد.

مهران مهدویان، کارگردان فیلم سینمایی «پروا»، که این روزها در گروه هنر و تجربه بر پرده سینماهای کشور نمایش داده می‌شود، اظهار داشت: گروه هنر و تجربه تمام تلاش خود را برای اکران بهتر انجام می‌دهد اما متأسفانه تعداد سینماها و تعداد سانس‌های اکران فیلم بسیار محدود است. در شهر تهران تنها ۴ یا ۵ سینما هستند که فیلم‌های گروه هنر و تجربه را نمایش می‌دهند و این ارتباطی با گروه هنر و تجربه ندارد و باید سازمان سینمایی برای بهتر دیده شدن فیلم‌های مستقل و تجربی تمهیدی داشته باشد. در این شرایط کار ما برای جلب نظر مخاطب و بیشتر دیده شدن فیلم بسیار سخت است.

مهدویان درباره علت اکران «پروا» در گروه هنر و تجربه گفت: تصمیم ما بر این بود که فیلم در گروه هنر و تجربه اکران شود چراکه با وجود قصه‌پرداز بودن فیلم، «پروا» را می‌توان به دلیل روایت غیرخطی‌اش فیلمی تجربی دانست و به نظرم مخاطب گروه هنر و تجربه ارتباط بهتری با این اثر برقرار می‌کند. در سینمای گیشه ما بیش از هر چیز فیلم‌های کمدی موفق هستند و آثاری چون «پروا» شانس چندانی در بین این آثار ندارند و به همین دلیل فکر می‌کنم هنر و تجربه بستر مناسب‌تری برای اکران این فیلم است.

این کارگردان در پاسخ به پرسشی درباره انتخاب روایت غیرخطی فیلم «پروا» و الگو گرفتن از فیلمسازانی چون آلخاندرو گونزالز ایناریتو گفت: ایناریتو از فیلمسازان مورد علاقه من است و همیشه سینمای او را با اشتیاق دنبال کرده‌ام و فیلم‌هایش را بارها دیده‌ام. قطعاً از او در ساختار فیلمم الگو گرفته‌ام اما به هیچ‌وجه از او تقلید نکرده‌ام. روایت غیر خطی به طور کل برایم جذاب است اما انتخاب این فرم در فیلمنامه به این سبب است که «پروا» قصه یک شرایط بسیار آشفته را روایت می‌کند و در این فیلم می‌بینیم آدم‌ها در شرایطی آشفته مسیری را پیش می‌روند و فکر می‌کنم این ساختار روایت غیر خطی به ایجاد این محتوا نیز کمک می‌کند. در واقع انتخاب روایت غیر خطی صرفاً به دلیل علاقه‌ام به سینمای ایناریتو نبوده و کارکرد محتوایی نیز دارد.

مهدویان در پاسخ به پرسشی درباره پایان باز این فیلم سینمایی گفت: برخی بر این عقیده‌اند که «پروا» پایان باز دارد، در واقع تصویری که مخاطب در ابتدا از پایان فیلم می‌بیند می‌تواند این تصور را ایجاد کند که پایان باز است اما اینگونه نیست و ما نشانه‌هایی در فیلم قرار داده‌ایم که مخاطب با کمی دقت می‌تواند متوجه شود که در پایان فیلم چه اتفاقی رخ می‌دهد و فیلم چگونه به پایان می‌رسد. به همین دلیل باید بگویم که «پروا» پایان باز ندارد اما همه چیز هم روشن نیست و نیاز است که مخاطب کدهایی که در فیلم قرار داده شده را بررسی کند.

وی درباره قصه تلخ «پروا» گفت: این تلخی همیشه با من هست، فیلم قبلی من «اگزما» هم اثر تلخی بود و در «پروا» هم ما قصه تلخی را روایت می‌کنیم، درباره مهاجرت، مشکلات اقتصادی، شغل‌های کاذب و... حرف می‌زنیم که ذاتاً تلخ هستند و به طور کل وقتی به سراغ مسائل اجتماعی می‌روید و قرار است دردی اجتماعی را روایت کنید نمی‌توانید از تلخی به طور کامل فاصله بگیرید اما اینگونه هم نیست که بخواهم به مخاطبم اینگونه القا کنم که دنیا همین است.

اتفاقاً فیلم با امید همراه است و ما امیدواری آدم‌ها در شرایط سخت را می‌بینیم و عشقی که بین خسرو و پروا وجود دارد هم نمود همین است که دنیا را نباید سیاه و تلخ دید. در فیلم «پروا» کاراکتر اصلی را تلخی و درد احاطه کرده اما او در تلاش است تا معضلات را کنار بگذارد و این تلاش خسرو می‌تواند خود القاکننده نوعی امید باشد.

کارگردان فیلم سینمایی «پروا» درباره شخصیت‌پردازی در این فیلم سینمایی گفت: من هیچ‌وقت در فیلم‌هایم به سراغ آدم‌های مطلقاً خیر یا مطلقاً شر نرفته‌ام و همیشه خاکستری بودن را رعایت کرده‌ام چون همه‌مان خاکستری هستیم و می‌توانیم یک جاهایی در زندگی گناهکار شویم و یک جاهایی در زندگی اتفاقاً به انسانی کاملاً مثبت و خوب تبدیل شویم.

من فکر می‌کنم این ویژگی مربوط به همه آدم‌های جهان می‌شود و کسی را نمی‌توان مطلقاً خوب یا مطلقاً بد دانست. اگر گذشته آدم‌هایی که کارهایی خیلی دور از ذهن انجام می‌دهند و به نوعی آن‌ها را به عنوان انسان‌هایی شرور می‌شناسیم را مرور کنیم هم می‌توانیم بخش‌هایی از زندگی‌شان را ببینیم که کاملاً در تضاد با شناختی است که ما از آن‌ها داریم. حتی اگر بخواهیم دلیل رفتارهای شرورانه این افراد را هم بررسی کنیم می‌توانیم ببینیم که بعضاً اتفاقاتی در گذشته آن‌ها را به چنین انسانی تبدیل کرده است. به همین دلیل من فکر می‌کنم شخصیت‌های خاکستری در دنیای سینما شخصیت‌هایی واقعی‌تر و باورپذیرتر هستند.

وی افزود: در فیلم «پروا» همه شخصیت‌ها خاکستری هستند و با وجود اینکه ممکن است از آن‌ها رفتارهای نادرستی ببینیم اگر با دقت بخواهیم این رفتارها را مورد بررسی و موشکافی قرار دهیم، می‌توانیم بپذیریم که شاید تا حدی هم آن‌ها به دلیل این رفتارها حق دارند. در این فیلم نبرد خیر و شر نمی‌بینیم، بلکه شاهد نبرد خیر با خیر هستیم. در دنیای واقعی هیچ شخصیتی را نمی‌توان با یک کلمه تعریف کرد و همه انسان‌ها لایه‌های پنهانی دارند که برای شناخت‌شان باید بیشتر و بیشتر به آن‌ها نزدیک شد.

کارگردان فیلم سینمایی «اگزما» در پایان اظهاراتش با اشاره به اینکه تبلیغات چندانی برای این فیلم صورت نگرفته، گفت: از همه دوستانی که فیلم را دیده‌اند، اگر فیلم را دوست داشته‌اند خواهش می‌کنم که فیلم را به دوستان و اطرافیانشان پیشنهاد دهند. سینمای مستقل فقط خودش و مردم را دارد و چشم امیدش فقط به مردم است و اگر حمایتی از سوی مردم صورت نگیرد ادامه حیات برایش سخت می‌شود. امیدوارم مخاطبان سینما از فیلم‌های مستقل استقبال کنند و فیلم «پروا» بیشتر از این‌ها دیده شود.

۲۰ فیلم برتر کن به انتخاب هالیوود ریپورتر

گروه فرهنگ و هنر- با پایان جشنواره فیلم کن و اعلام برندگان، منتقدان نشریه هالیوود ریپورتر نیز فهرستی از ۲۰ فیلم برتر این رویداد سینمایی را انتخاب کردند که شامل آثاری در بخش‌های مختلف از مسابقه اصلی، نوعی نگاه، غیررقابتی و نمایش‌های ویژه تا بخش جنبی دو هفته کارگردانان می‌شود.

«آناتومی یک سقوط» (برنده نخل طلا)، «منطقه مورد علاقه» ساخته «جاناتان گلیزر» (برنده جایزه بزرگ هیات داوران و جایزه فیپرشی)، «قاتلان ماه کامل» فیلم پرستاره و جدید «مارتین اسکورسیزی»، «برگ‌های افتاده» از «آکی کوریزماکی»، مستند «آنسلم» و فیلم «روزهای عالی» از «ویم وندرس»، «شکستن یخ» به کارگردانی «آنتونی چن»، «کیمرا» از «آلیس روروواکر»، «چشمهایت را ببند» از «ویکتور اریک»، «بزهکاران» ساخته «رودریگو مورنو»، «فایربند» به کارگردانی «کریم آینوز»، «چهار دختر» ساخته «کوثر بن هنیه»، «پرونده گلدمن» ساخته «سدریک کان»، «بازگشت به خانه» به کارگردانی «کاترین کورزینی»، «مادر تمام دروغ‌ها» ساخته «اسماء المدیر»، «شهر اشغال شده» از «استیو مک‌کوئین»، فیم کوتاه «روش عجیب زندگی» ساخته «پدرو آلمادوار» و فیلم «آیه‌های زمینی» ساخته مشترک علی عسگری و علیرضا خاتمی به عنوان تنها فیلم بلند ایرانی حاضر در بخش رسمی جشنواره، در این فهرست قرار گرفته‌اند. علی عسگری پیش از این با فیلم‌های بلند «ناپدید شدن» در جشنواره ونیز و «تافردا» در جشنواره برلین و با فیلم‌های کوتاه «بیشتر از دوساعت» و «سکوت» در بخش مسابقه فیلم‌های کوتاه کن حضور داشته است.

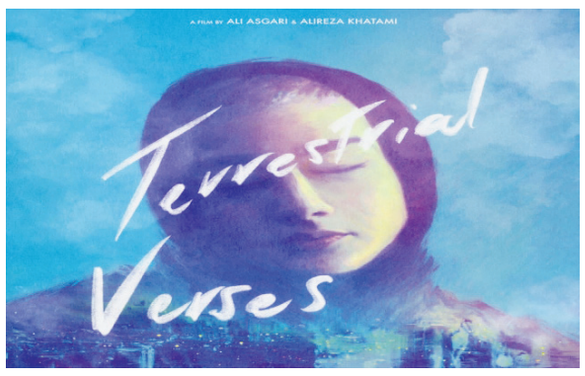

علیرضا خاتمی نیز با فیلم «آیه‌های فراموشی» جایزه فیلم‌نامه جشنواره ونیز را دریافت کرده است.

مجید صالحی، گوهر خیراندیش، فرزین محدث، صدف عسگری، حسین سلیمانی، فائزه راد، بهرام ارک، سروین ضابطیان، ارغوان شعبانی و اردشیر کاظمی بازیگران فیلم سینمایی «آیه‌های زمینی» هستند. فیلم ۷۷ دقیقه‌ای «آیه‌های زمینی» که عنوان آن برگرفته از شعری از فروغ فرخزاد است، داستان زندگی روزمره مردمانی از همه طبقات زندگی دنبال می‌کند.

دایناسورهای عظیم روی زمین نقاشی شدند

گروه فرهنگ و هنر- یک هنرمند در جریان ساخت مستند تلویزیونی درباره دایناسورها، تصاویر این موجودات عظیم‌الجثه را بر روی منظره‌های طبیعی نقاشی می‌کند.

«دیوید پوپا» هنرمندی اس که تصاویر موجودات ماقبل تاریخ را بر روی منظره‌های طبیعی سراسر جهان برای مستندی خلق کرده است که درباره دایناسورها در «اپل تی‌وی» ساخته می‌شود. گاهی اوقات خیلی راحت فراموش می‌کنیم که مدت‌ها قبل از تکامل انسان، دایناسورها در بسیاری از مناظر مشابهی که ما امروز از دیدن آن‌ها لذت می‌بریم، پرسه می‌زدند. «دیوید پوپا» هنرمندی است که برای یک پروژه خاص، این جانوران ماقبل تاریخ را در قالب پرتره‌هایی در مقیاس بزرگ به تصویر کشیده است. تاکنون خلق سه نقاشی به عنوان بخشی از همکاری این هنرمند آمریکایی در دومین فصل از مستند «سیاره ماقبل تاریخ» که به روایت «دیوید اتنبرو» پخش می‌شود، به اتمام رسیده است. چهره ۳۰ متری یک دایناسور «تی رکس» که بر روی یک صخره سرخ در صحرای «یوتا» خلق شده است یکی از این مجموعه آثار هنری است. این هنرمند همچنین تصویری از یک «هاتزگ‌بال» که بیشتر به دلیل بال‌های بزرگش شناخته می‌شود را در جزیره دورافتاده‌ای در فنلاند خلق کرده است.

مورد سوم نیز یک دایناسور «تریسراتوپس» است که در یکی از محوطه‌های ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی و واقع در انگلستان خلق شده است. تصاویر این حیوانات باستانی مستقیماً روی زمین کشیده شده‌اند و در نهایت آثار هنری آمیخته از بافت‌های طبیعی زمین و مواد آلی مانند زغال چوب، گچ و رنگدانه‌های خاکی را شکل داده‌اند. تکمیل هر یک از این آثار هنری تا ۱۵ ساعت طول زمان برده است. با توجه به اندازه گسترده این آثار هنری، پرتره‌های این حیوانات فقط از بالا به طور کامل قابل مشاهده است و تصاویر آن‌ها قبل از اینکه به طور اجتناب‌ناپذیری توسط آب و هوا از بین بروند، توسط هواپیماهای بدون سرنشین ثبت شده است.